

فوت و فن بازنگری و ویرایش رمان



مجموعه کتاب‌های
آموزش نویسندگی

شهرام اقبال زاده

جیمز اسکات بل

این اثر ترجمه‌ای است از

Revision and Self-Editing

By James Scott Bell

USA, Ohio: Writer's Digest Books, 2008



سوره مهر

فوت و فن بازیگری و ویرایش رمان

نوشته جیمز اسکات بل

ترجمه شهرام اقبال زاده

ویراستار: اکرم دژهوست گنگ

طراح جلد: امیر علایی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه - چاپ اندیشه

بیاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۱۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳۰۰۵۲۷-۷

نقل: بیاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

مؤلف: جیمز اسکات، ۱۹۵۴ م. - Bell, James Scott

موضوع: فوت و فن بازیگری و ویرایش رمان / نوشته

جیمز اسکات، مترجم: شهرام اقبال زاده.

مشخصات نشر: تهران، مرکز انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۶.

مشخصات چاپ: ۱۱۱۰ نسخه.

فروست: مجموعه کتابخانه فوت و فن بازیگری و ویرایشگری.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳۰۰۵۲۷-۷

وضعیت فهرست نویسی: در دسترس

یادداشت: عنوان اصلی: Revision & self-editing techniques: for transforming your first draft into a finished novel.

موضوع: داستان نویسی

Fiction - Authorship: موضوع

موضوع: ویراستاری

Editing: موضوع

شناسه افزوده: اقبال زاده، شهرام، ۱۳۳۳ - مترجم

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ / ف۱۳ / شابک: PNT35

رده بندی دیویی: ۸۰۸/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۸۹۵۳۷

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۶۹۹۵۱
خیابان: خیابان خدیجه
۱۳ پلاک
مستوفی: ۱۱۴۴ - ۱۵۸۱۵
تلفن: ۶۱۹۴۲۲
سازمان: ۳۰۰۵۲۳۹
تلفن مرکز بخش (بخش خط)
۶۶۴۶۹۹۵۱ / فکس: ۶۶۴۶۹۹۹۳
www.sooremehr.ir

فهرست

۹	درباره نویسنده
۱۱	مقدمه
۱۷	پیش‌گفتار
۲۹	بخش ۱: ویرایش داستان
۳۱	فصل اول: فلسفه ویرایش داستان خویش
۵۱	فصل دوم: شخصیت‌های داستان
۱۰۱	فصل سوم: طرح و ساختار
۱۳۷	فصل چهارم: زاویه دید
۱۵۷	فصل پنجم: صحنه‌پردازی
۲۰۱	فصل ششم: گفت‌وگو

۲۵۷	فصل هفتم: آغاز، میانه، پایان
۲۸۷	فصل هشتم: نشان دادن و گفتن
۳۰۱	فصل نهم: صدا و سبک
۳۲۷	فصل دهم: محل وقوع و توصیف
۳۴۹	فصل یازدهم: زمینه چینی
۳۵۷	فصل دوازدهم: درون مایه
۳۸۱	بخش ۲: بازنویسی
۳۸۳	فصل سیزدهم: فلسفه بازنویسی
۴۰۳	فصل چهاردهم: پیش از بازنویسی
۴۱۵	فصل پانزدهم: این نتواندن کامل
۴۲۹	فصل شانزدهم: فهرست نهایی موارد بازنویسی
۴۹۱	پاسخ تمرین ها
۵۰۷	واژه نامه انگلیسی - فارسی
۵۲۳	واژه نامه فارسی - انگلیسی
۵۳۹	نمایه

مقدمه

از بالای پله هشتم

محسن سلیمانی

کتاب پیش رو هشتمین کتاب از کتاب‌ها، دربارهٔ نوبسندگی و به‌ویژه دربارهٔ داستان‌نویسی است که در طول حدود پانزده سال در یک برنامه کاری، زیر نظر من یا به دست من، ترجمه شده است. این طرح با هدف ارائهٔ متون آموزشی به داستان‌نویسان و راغب کردن مترجمان بیشتر برای روی آوردن به ترجمه در این رشته انجام شد. اما اعتراف می‌کنم هنگامی که این طرح را شروع کردم تصویری از مشکلات پیچیدهٔ آن نداشتم؛ مشکلاتی که در این مقدمه برخی از آن‌ها را مطرح کرده‌ام تا شاید نوعی انتقال تجربه به آیندگان باشد.

بهرغم همهٔ مشکلات راه، خوشبختانه حاصل کار تا اینجا هشت

کتاب آموزشی بوده است که تصور می‌کنم همه آن‌ها نه تنها حرف‌های تازه‌ای در زمینه آموزش نویسندگی به خصوص داستان‌نویسی در زبان فارسی دارند، که همگی با زبانی ساده و همه‌فهم و روشن ترجمه شده‌اند:

۱. گفت‌وگو نویسی، نوشته گلوریا کمپتون، ترجمه فهیمه سمسار
۲. صحنه‌پردازی در رمان، نوشته ریموند آستفلد، ترجمه عبدالله کریم‌زاده
۳. همه چیز درباره نویسندگی خلاق، نوشته گرول وایتلی و چارلی شولمن، ترجمه مهدی غبرایی
۴. هنرهای نویسندگان درباره ویژگی‌های شخصیت‌ها، نوشته لیندا ادلستاین، ترجمه فرزنده داورپناه
۵. حتماً لازم نیست مشهور باشید تا زندگی‌نامه‌تان را بنویسید، نوشته استیو زوسم، ترجمه حسن هاشمی میناباد
۶. جادوی زاویه دید، نوشته آلبشا راسلی، ترجمه محسن سلیمانی
۷. طرح و ساختار رمان، نوشته حامد اسکات بل، ترجمه محسن سلیمانی
۸. فوت و فن بازنگری و ویرایش رمان، نوشته جیمز اسکات بل، ترجمه شهرام اقبال‌زاده

حدود شش سال قبل، پس از اینکه طی ترجمه ده کتاب را با هدف گسترش متون آموزشی، جهت ارتقای سطح کیفی آثار داستان‌نویسان ایران، به مدیریت حوزه هنری پیش‌هاجم، در قدم اول صد کتاب را برگزیدم و پس از خریدن آن‌ها شش ماه مردم به بررسی تک‌تکشان. از آن صد کتاب، نهایتاً به سی کتاب رسیدم که به گمان خودم در این زمینه حرف‌هایی نو داشتند. به علاوه، هر یک از آن‌ها به یکی از عناصر داستان‌نویسی پرداخته بودند. آن‌گاه برای کمک به شورای گزینش نهایی کتاب‌ها، که متشکل از آقایان محسن

مؤمنی و محمد حمزه زاده و زنده یاد امیرحسین فردی بود، برای هر کتاب گزارشی پنج تا ده صفحه‌ای، شامل ترجمه فهرست و خلاصه‌ای از مقدمه و مباحث هر فصل، نوشتم. تصور می‌کنم با این گزارش‌ها به‌گزینی کتاب‌ها برای این شورا راحت‌تر شد.

سرانجام ده کتاب برای ترجمه مشخص شد. گام بعدی انتخاب مترجمان بود. این مرحله طبعاً راحت‌تر از مرحله اول نبود. متأسفانه تعداد کسانی که در ایران متن‌های آموزشی را به‌طور حرفه‌ای ترجمه می‌کنند به انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. علت هم مشخص است: ترجمه متون فنی آموزشی کاری کم‌اجر و بسیار سخت و وقت‌گیر است. در هر حال پس از بررسی‌های لازم، از ده تن از مترجمان برای ترجمه کتاب دعوت کردم. این مترجمان عبارت بودند از کسانی که به‌طور حرفه‌ای آثاری از این دست را ترجمه کرده بودند، مترجمان مشهور ادبی مترجمان دانشگاهی، و مترجمان جوان‌تر به امید کادرسازی در آینده. متأسفانه به تن از مترجمان گروه اول، به دلیل ملاحظات خاص، دعوت را نپذیرفتند. ناگزیر، کار ترجمه را با سه گروه دیگر شروع کردم. این مترجمان عبارت بودند از مهدی غبرایی (مترجم ادبی)، اسدالله امرایی (مترجم ادبی)، عبدالله کریم‌زاده (مترجم و استاد دانشگاه)، حسن هاشمی مینا (نویسنده و مترجم و استاد دانشگاه)، فروزنده داورپناه (نویسنده و مترجم و روان‌شناس)، شهرام اقبال‌زاده (مترجم ادبی)، و فهیمه سمسار (مترجم ادبی).

گفتم که در آغاز تصور دقیقی از مشکلات کار ندارم. اگر امروز می‌خواستم این برنامه را با توجه به تجربه‌ای که در این مدت اندوخته‌ام انجام دهم، شاید هرگز در این راه قدم نمی‌گذاشتم. می‌گویند ما ایرانی‌ها کار گروهی بلد نیستیم. کارهای گروهی در کشور

ما معمولاً عاشقانه و با شور و شوق آغاز می‌شود؛ ولی وقتی کار به جاهای پرزحمت آن می‌رسد و زحمات بر مزایا پیشی می‌گیرند کم‌کم نامهربانی‌ها آغاز می‌شود.

تصور من این بود که ترجمه این کتاب‌ها، به قول امروزی‌ها، در بازه زمانی یک یا دو سال تمام خواهد شد. چون با توجه به زمان‌بندی‌های مترجمان و من و مشخص بودن وظایف افراد در این کار گروهی نباید شکل خاصی پیش می‌آمد. مترجمان باید لطف می‌کردند و متن‌ها را با ترجمه‌هایی پاکیزه، حداکثر پس از یک سال و شش ماه، تحویل می‌دادند. چون وظیفه من صرفاً مقابله ترجمه‌ها، یک‌دست کردن ترجمه اصطلاحات، و افزودن پیوست‌ها بود کتاب‌ها باید به سرعت آماده انتشار می‌شد. بنابراین، ما می‌توانستیم در مدتی کوتاه ده کتاب آموزشی نسبتاً خوب کتاب‌های آموزشی موجود در ایران اضافه کنیم. اما، متأسفانه در عرض این اتفاق نیفتاد. چرا؟ به دو دلیل:

۱. برخی دوستان به تحویل ترجمه‌ها را، به دلایل مختلف، نادیده گرفتند. طبیعی است. است. است برای هر کسی گرفتاری‌های ناخواسته‌ای پیش بیاید. اما چند تن از این دوستان، به جای اعلام انصراف صریح، کار را به فراموشی سپردند. یکی از دوستان مترجم بالاخره پس از مدتی طولانی اعلام انصراف کرد. ولی چند تن دیگر بعد از تأخیرهای مکرر، با خواهش و التماس فراوان، سرانجام کتاب‌های ترجمه‌شده را تحویل دادند. یکی از دوستان، برج در این زمینه رکورد جالبی از خود به جا گذاشت که شایسته تقدیر است؛ ایشان ترجمه کتاب را تقریباً بعد از سه سال تحویل داد.

۲. در آغاز تا حدودی وظایف مترجمان و مدیر مجموعه مشخص شده بود. ولی شاید مرز وظایف باید با جزئیات بیشتری تبیین می‌شد.

طبعاً، توقع نداشتم هیچ‌یک از دوستان مترجم در ترجمه اصطلاحات ادبیات داستانی خطا نداشته باشند. به‌علاوه، همه مترجمان، حتی مترجمان بزرگ، گاه و بی‌گاه دچار لغزش‌هایی در ترجمه می‌شوند و به اصطلاح چیزی از زیر چشمان درمی‌رود. این‌ها طبیعی و قابل درک است. اما، افسوس که در عمل، بازبینی و تصحیح متن برخی دوستان بسیار فراتر از این رفت و حتی گاه به مرز تصحیح پنجاه درصد از کار رسد.

بردید ندارم که همه مترجمان این مجموعه بر زبان مبدأ و مقصد تسلط کامل دارند. اما، با توجه به تجربه‌های خودم، مطمئنم در کار ترجمه «بی‌وصلگی» سهمی مهلک است. با کمال تأسف بی‌حوصلگی به متن برخی دوستان مترجم راه یافته بود. چرا؟

اول اینکه گاهی مترجم گام ترجمه متون فنی کلافه می‌شود و مدیریت ترجمه از دستش بیرون می‌آید. چون گاهی:

- متن نویسنده مبهم است.

- نویسنده از ده‌ها رمان یا فیلم مثال آورد، است، که مترجم نه تنها آن‌ها را نخوانده و ندیده، بلکه حتی نام آن‌ها را شنیده است.

- دوسه واژه کلیدی یا اصطلاح ادبی در قسمت‌هایی از متن هست که مترجم نمی‌داند معنی آن‌ها چیست، اما اصرار دارد آن‌ها را هر طور هست، حتی به غلط، ترجمه کند و رد شود.

- مترجم متن را دقیق ترجمه کرده است، اما کلمات و جملات از نظر فارسی‌نویسی ایراد پیدا کرده است. به این معنی که مترجم برای اینکه دقت کار را بالا ببرد، به جای ترجمه مفهوم به مفهوم، به ترجمه واژه به واژه روی آورده است، ولی آنچه نوشته فارسی نیست.

- مترجم متوجه شده برخی عبارت‌ها و جملات نامفهوم احتمالاً

اصطلاح است، ولی به جای اینکه بر دامنه جست‌وجویش برای فهم درست آن‌ها بیفزاید، در ترجمه آن‌ها به حدس و گمان متوسل شده است.

و ...

دوم اینکه برخی مترجمان محترم روی مدیر طرح این مجموعه بیش از حد حساب کرده بودند و از سر محبت یا به پشت‌گرمی ایشان دنازی ندیده بودند برای ترجمه دقیق برخی قسمت‌ها وقت بیشتری بگذارند. یک بار هنگامی که به یکی از دوستان مترجم این موارد را یادآوری کردم فرمودند: «چون دیدم شما ترجمه‌ها را دقیق می‌بینید خیالم راحت شد!»

مشکل هر ... بود مسلماً اگر مدیر مجموعه گاهی به جراحی و اصلاح برخی متن‌ها دست می‌زد، اینک حاصل کار کتاب‌هایی شده بود که اگر به سوء تفاهم‌های ترجمه‌های دیگر ملت‌ها دامن نمی‌زد، حداقل نامفهوم بود؛ مثل بسیاری از کتاب‌های ترجمه شده به فارسی در بازار، که فهمیدن متن انگلیسی آن‌ها به مراتب راحت‌تر از فهمیدن متن فارسی آن‌هاست! با همه این‌ها، لازم است در اینجا از زحمات بقیه مترجمان تشکر کنم. یک‌سوم دوستان مترجم چنان متن‌ها را با کیزه و دقیق ترجمه کرده بودند که بازخوانی و مقابله آن‌ها واقعاً برای آموزانه و لذت‌بخش بود.

مدیر طرح ترجمه کتاب‌ها: آرژان نویسنده

۸ مرداد ۹۳